

## تحول مفهوم مصونیت سران دولتها در حقوق بین الملل کیفری

### جواد کچوئیان فیینی<sup>۱</sup>

**چکیده:** مفهوم مصونیت سران دولتها از اوایل قرن بیستم تاکنون تحول شگرفی یافته است. روند تحولات مصونیت سران دولتها از معاهده ورسای (۱۹۱۹) تاکنون که در اساسنامه‌های دادگاه‌های نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق، دادگاه رواندا، دادگاه ویژه سیرالئون، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و رویه‌های دادگاه‌های بین‌المللی و ملی شاهد بوده ایم، روشن می‌سازد که در حال حاضر سران دولتها، در صورت ارتکاب جنایات جنگی و نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، نه از مصونیت شخصی برخوردارند و نه از مصونیت شغلی و به عبارت دیگر سران دولتها در صورت نقض قواعد آمره بین‌المللی مسئولیت کیفری خواهند داشت.

شفاف‌ترین اسناد بین‌المللی که مبین تحول در مصونیت اساسی سران پیشین و فعلی دولتها در موارد نقض جدی و فاحش حقوق بین‌الملل است، در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) مشاهده می‌شود. برطبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، افراد به دور از هر مقامی که دارند در قبال ارتکاب جنایات بین‌المللی از قبیل نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز مصونیت کیفری نخواهند داشت و تحت تعقیب، محاکمه و مجازات قرار خواهند گرفت.

**واژگان کلیدی:** مفهوم مصونیت، صلاحیت کیفری خارجی، مسئولیت کیفری فردی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، جنایات بین‌المللی، دادگاه‌های ملی و بین‌المللی کیفری، حقوق بین‌الملل کیفری.

رژیم بین‌المللی مصونیت‌های سران دولتها از زمان معاهده وستفالی که برابری حاکمیت دولتها را پیش‌بینی می‌کرد و نمایندگان دولتها از فرآیند حقوقی

۱. آقای جواد کچوئیان فیینی، مشاور وزیر امور خارجه [jkajouyan@yahoo.com](mailto:jkajouyan@yahoo.com)

دیگر کشورها اعم از حقوق مدنی یا کیفری مصون بودند، تاکنون پیشرفت شگرفی کرده است. در حال حاضر مصونیت سران دولت‌ها هم از طریق معاهدات و هم از طریق حقوق بین‌الملل عرفی ایجاد و اجرا می‌گردد. بررسی به عمل آمده بر روی متون حقوق بین‌الملل و سایر نوشته‌های حقوقی آشکار می‌نماید که سران دولت‌های خارجی عموماً دارای مصونیت بوده و این مصونیت حتی بعد از کنار رفتن از این مسئولیت در قبال اعمالی که در چارچوب وظایف اداری انجام داده‌اند تداوم می‌یابد، لکن این مصونیت شامل اعمال و رفتار زندگی خصوصی و شخصی وی نمی‌گردد.

مصونیت رئیس دولت به عنوان یک مصونیت کارکردی و در ارتباط مستقیم با وظایف و انجام امور قانونی وی مورد توجه است.<sup>(۱)</sup> منطق مصونیت سران دولت‌ها حد و حدود مصونیت آن‌ها را مشخص می‌کند.

محدود شدن مصونیت سران دولت‌های پیشین به معاهده ورسای (۱۹۱۹)<sup>(۲)</sup> در پایان جنگ جهانی اول باز می‌گردد. دولت‌های فاتح در جنگ براساس معاهده مذکور خواستار محاکمه امپراطور آلمان به اتهام نقض فاحش اخلاق بین‌الملل و اعتبار مقدس قراردادهای شدند. پس از جنگ جهانی دوم، تأسیس دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو صریحاً مسئولیت انفرادی اشخاص در جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را مورد شناسایی قرار داد.

مهم‌ترین صلاحیت این دادگاه‌ها که در اساسنامه نورنبرگ و توکیو بر آن‌ها تصریح شده بود، محاکمه و مجازات افرادی بود که به ارتکاب جرایمی در جنگ متهم شده بودند و بر مسئولیت افراد در حقوق بین‌الملل تأکید می‌ورزید.

متعاقباً با تشکیل دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق، رواندا، سیرالئون و دادگاه‌های داخلی کیفری از قبیل دادگاه کیفری انگلیس در مورد پینوشه؛ رژیم مصونیت دچار تغییر کیفی شد و مصونیت‌های اساسی سران و سایر مقامات رسمی دولت‌های پیشین در ارتکاب جنایات خاص بین‌المللی مورد تردید جدی قرار گرفت.

علاوه بر موارد فوق، قطعنامه ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>(۳)</sup> که در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی صادر شد، ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۴۸ کشتار جمعی<sup>(۴)</sup> ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۷۳ آپارتاید<sup>(۵)</sup> و مواد ۴ تا ۱۲ کنوانسیون ۱۹۸۴ شکنجه<sup>(۶)</sup> نیز لغو مصونیت سران دولت‌های قبلی در ارتباط با جنایات بین‌المللی را مورد تأیید قرار

می‌دهد. در طی دو دهه گذشته، مصونیت سران دولت‌هایی که بر سر قدرت هستند، نیز مورد تردید قرار گرفت. این امر در رویه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی به روشنی مشاهده می‌شود. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی<sup>(۷)</sup> در ماده ۲۷ خود قاطعانه مصونیت‌های اساسی و موقتی برای کلیه مقامات دولتی از جمله سران دولت‌ها را که مرتکب جنایات نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی می‌شوند را لغو و رسیدگی به آن‌ها را در صلاحیت دادگاه‌های ملی و دیوان کیفری بین‌المللی قرار داده است.<sup>(۸)</sup>

در این مقاله تلاش شده است تا با بهره‌گیری از منابع مختلف و بررسی متون اصلی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و آخرین گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل و مطالعه دقیق مواد مربوط به مصونیت سران دولت‌ها در اساسنامه‌های دادگاه‌های نظامی بین‌المللی نورنبرگ، توکیو و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، رواندا، سیرالئون و دیوان کیفری بین‌المللی؛ ضمن بررسی روند تاریخی تحول مفهوم مصونیت سران دولت‌ها، تحولات اخیر مربوط به این موضوع در حقوق بین‌الملل کیفری بیشتر مورد تأکید و توجه قرار گیرد و به پرسش‌های زیر نیز پاسخ مناسب و مستدلی داده شود.

\* آیا نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی و به عبارت بهتر ارتکاب جنایات بین‌المللی منجر به تحول مفهوم مصونیت سران دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری شده است؟

\* تأثیر تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در ایجاد تحول در مفهوم مصونیت سران دولت‌ها به چه میزان بوده است؟

\* آیا تحول در مفهوم مصونیت سران دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل باعث بی‌نظمی و هرج و مرج در روابط بین‌المللی و دیپلماسی خواهد شد؟

## فصل اول: مفهوم مصونیت و مسئولیت کیفری سران دولت‌ها

### گفتار اول: تعریف، مفهوم و انواع مصونیت سران دولت‌ها

موضوع مصونیت یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل عمومی است. «مصونیت بدین معنی است که دارنده آن از تعقیب قانون و مأموران دولت در امان است و به

عبارت دیگر قانون و مأموران مجری قانون نمی‌توانند شخص دارنده آن را تعقیب کنند»<sup>(۹)</sup>.

مصونیت که یک مفهوم حقوقی است در واقع عبارت مختصر شده «مصونیت از صلاحیت» است. صلاحیت بر مصونیت تقدم دارد. اگر صلاحیت وجود نداشته باشد، دلیلی برای بررسی مسئله مصونیت از صلاحیت وجود ندارد. به‌طور کلی مصونیت به عنوان استثنا یا عدم شمول صلاحیت یک دولت نسبت به یک نهاد، شخص یا اموال یا به عبارتی مانعی برای اعمال صلاحیت یا محدودیتی بر صلاحیت تعریف شده است.

براساس منابع مهم مصونیت سران دولت‌ها که عبارتند از: معاهدات بین‌المللی؛ عرف بین‌المللی و نزاکت بین‌المللی، سران دولت‌ها از مصونیت‌های قضایی اجرایی و جزائی و نیز مصونیت‌های کارکردی و شخصی برخوردارند. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر اصطلاح «مصونیت قضایی»<sup>(۱۰)</sup> چنین اظهار داشته که: «این اصطلاح شامل عدم اعمال تمامی اشکال اقتدارات اجرایی و اداری است. به عبارت دیگر شامل تمامی فرایندهای قضایی، از شروع دادرسی گرفته تا صدور حکم، اجرا و اقدامات تأمینی می‌شود»<sup>(۱۰)</sup>. مصونیت قضایی اجرایی نیز بدین معنی است که دارندگان آن از حیطه قدرت اجرایی قانون کشور پذیرنده خارج هستند.<sup>(۱۱)</sup> مصونیت قضایی اجرایی از نظر زمانی یک مانع دو مرحله‌ای است. در مرحله اول مانع قضاوت است و در مرحله دوم مانع اجرای حکم است.

براساس قواعد عرفی حقوق بین‌الملل، مقامات دولتی و سران آن‌ها دارای مصونیت از صلاحیت خارجی هستند. مصونیت از صلاحیت خارجی شامل دو نوع می‌باشد: مصونیت‌های شخصی و شغلی.<sup>(۱۲)</sup>

مصونیت کارکردی (شغلی)؛ که فعالیت‌های انجام‌شده توسط هر مقام دولتی در اجرای وظایفش را پوشش می‌دهد و این نوع مصونیت متکی بر برابری حاکمیت و شخصیت دولت است.<sup>(۱۳)</sup>

مصونیت شخصی؛ که ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی است، قدیمی‌ترین نوع مصونیت است.

این نوع مصونیت ماهیت موقتی دارد یعنی از زمان تصدی پست شروع و به محض ترک پست متوقف می‌شود.<sup>(۱۴)</sup> مصونیت شخصی از وضعیت مقام و پستی که فرد در حکومت داراست و از وظایف رسمی که شخص ملزم به انجام آن‌ها در آن پست است ناشی می‌شود. به موجب ماده ۲۸ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین و ماده ۲۹ کنوانسیون ۱۹۷۵ وین،<sup>(۱۵)</sup> جان، مال، محل مأموریت و وسیله نقلیه رئیس دولت از تعرض مصون است و دولت پذیرنده موظف است تدابیری را پیش بینی و اتخاذ نماید که مصونیت شخصی او به بهترین وجه تأمین گردد.

### گفتار دوم: مصونیت از صلاحیت کیفری

شخص برخوردار از مصونیت اصولاً از مسئولیت کیفری مبرا نیست. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه قرار بازداشت (دعوی جمهوری کنگو علیه بلژیک در ۱۱ آوریل ۲۰۰۱) تأکید نمود «مصونیت از صلاحیت به معنای بی‌کیفری نسبت به جرایم ارتكابی نیست. «مصونیت از صلاحیت» و «مسئولیت کیفری فردی» دو مفهوم کاملاً مجزا و مستقل می‌باشند در حالی که مصونیت ماهیتاً جنبه شکلی دارد، مسئولیت کیفری مسئله مربوط به حقوق ماهوی است. مصونیت قضائی ممکن است مانع تعقیب برخی جرایم یا برای مدتی شود، لیکن آن شخص را از مسئولیت کیفری مبرا نمی‌سازد».<sup>(۱۶)</sup>

مسئله مصونیت یک مقام دولتی از صلاحیت کیفری خارجی، مسئله‌ای است که به روابط بین دولت‌ها ارتباط پیدا می‌کند و حق بر مصونیت و تعهد به رعایت مصونیت و خودداری از اعمال صلاحیت نسبت به شخص برخوردار از مصونیت عمدتاً از قواعد حقوق بین‌الملل ناشی شده است.

اعمال صلاحیت کیفری شامل اتخاذ اقدامات موقتی حمایتی یا تدابیر اجرایی<sup>۱</sup> می‌شود. برخی اسناد حقوقی بین‌المللی درخصوص مسائل مصونیت حاوی مقررات مختلفی راجع به مصونیت از تدابیر اجرایی یا تدابیر موقتی حمایتی هستند. برای مثال می‌توان به بندهای ۱ و ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین،<sup>(۱۷)</sup> مواد بند ۱ و ۴ ماده ۳۱

کنوانسیون ۱۹۶۹ مأموریت‌های ویژه<sup>(۱۸)</sup> و بندهای ۱ و ۲ کنوانسیون ۱۹۷۵ مأموریت دولت‌ها در روابط خود با سازمان‌های بین‌المللی<sup>(۱۹)</sup> در این زمینه اشاره نمود.

### گفتار سوم: مسئولیت کیفری سران دولت‌ها

تمامی نظام‌های عدالت کیفری جهان، مفهوم مسئولیت کیفری افراد برای نقض هنجارهایی که انجام آن‌ها همراه با تنبیه و مجازات می باشد، را مورد شناسایی قرار داده اند. بنابراین مسئولیت کیفری فردی، چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل کیفری یکی از اصول کلی حقوق است. مفهوم مسئولیت کیفری فردی مستقیماً در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری مطرح و موجب گردید تا پس از جنگ جهانی دوم در منشورهای نورنبرگ و توکیو ظاهر شود. ماده ۶ منشور نورنبرگ، اصل مسئولیت کیفری فردی را به وجود آورد. این اصل متعاقباً در مواد (۱) و (۷) و (۱) و (۲۷) اساسنامه دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و مواد (۱) و (۶) و (۱) و (۲۲) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و نهایتاً در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی درج و اجرایی گردید. منشأ مسئولیت سران دولت‌ها و سایر مقامات دولتی از منظر حقوق بین‌الملل، ارتکاب آنان به یکی از جرایم مهم بین‌المللی است که دارای ویژگی «خطرناک و جدی بودن» هستند و در اسناد بین‌المللی به وخیم‌ترین جرایم یاد شده است.

در حقوق بین‌الملل سنتی سران دولت‌ها همواره دارای مصونیت بوده و لذا از هرگونه مسئولیتی درخصوص اقداماتی که موجب نقض فاحش و جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی محسوب می شد، مبرا بودند و این موضوع به صورت یک عرف و رویه مبدل شده بود، لکن با پیشرفت تدریجی حقوق بین‌المللی کیفری، مسئولیت سران دولت‌ها و سایر مقامات عالی‌رتبه کشورها مطرح شد و بدینوسیله سران دولت‌ها و سایر مقامات دولتی درخصوص ارتکاب جنایات بین‌المللی مسئول بوده و از مصونیت برخوردار نخواهند بود.

بنابراین چنانچه هر یک از سران دولت‌ها مرتکب یکی یا چند تا از جرایم مهم بین‌المللی مانند نسل زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز شوند و یا مرتکب نقض فاحش و جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی شوند،

مسئولیت کیفری خواهند داشت و براساس حقوق بین‌المللی کیفری تحت تعقیب، محاکمه و مجازات قرار خواهند گرفت.

## فصل دوم: مصونیت سران دولت‌ها و دادگاه‌های نظامی پس از جنگ‌های اول و دوم جهانی

تا قرن بیستم میلادی هیچ موردی نمی‌توان یافت که یک رهبر سیاسی یا یک فرمانده نظامی به‌خاطر ارتکاب جنایات جنگی به محاکمه کشانده شده باشد و نیز هیچ دادگاه بین‌المللی وجود نداشت که بتواند صلاحیت خود را در قبال سران دولت‌ها اعمال نماید. همچنین دادگاه‌های ملی نمی‌توانستند صلاحیت خود را در قبال سران دولت‌های در قدرت و دولت‌های پیشین به‌خاطر رفتار و عملکردشان اعمال نمایند. نخستین بار رژیم مصونیت کامل سران دولت‌ها در پی شکست ویلهلم گیوم دوم هوهنزلورن، امپراتور آلمان در جنگ جهانی اول مورد خدشه قرار گرفت.

**گفتار اول: محاکمه نافر جام ویلهلم گیوم دوم هوهنزلورن، امپراتور سابق آلمان**  
در پی شکست ویلهلم گیوم دوم، امپراتور آلمان در جنگ جهانی اول، قدرت‌های پیروز در جنگ خواستار محاکمه وی به اتهام نقض اصول اخلاق بین‌الملل و نقض قراردادهای، شدند. لذا در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹، عهدنامه صلح ورسای<sup>(۲۰)</sup> بین نیروهای متفق و متحد منعقد و در مواد ۲۲۷ تا ۲۳۰ معاهده فوق، تشکیل یک دادگاه بین‌المللی مورد پیش‌بینی قرار گرفت و در واقع این اولین تلاش برای تعقیب رئیس یک دولت بود.<sup>(۲۱)</sup> ماده ۲۲۷ معاهده ورسای چنین بود: «دول متفق و متحد، ویلهلم گیوم دوم هوهنزلورن، امپراتور سابق آلمان را به‌خاطر نقض فاحش اخلاق بین‌الملل و اعتبار مقدس قراردادهای، مورد اتهام علنی قرار می‌دهند. یک دادگاه مخصوص تشکیل خواهد شد تا در مورد متهم قضاوت کند».<sup>(۲۲)</sup>  
بدین ترتیب برای نخستین بار، مصونیت رئیس یک دولت به‌طور جدی با اعتراض روبه‌رو شد.

باتوجه به پناهنده شدن ویلهلم دوم به کشور هلند، قدرت‌های مذکور استرداد وی را از آن کشور جهت محاکمه در یک دادگاه ویژه خواستار شدند. ولی هلند از استرداد وی استنکاف نمود.<sup>(۲۳)</sup>

اگرچه محاکمه ویلهلم دوم امکان‌پذیر نگردید، لکن ماده ۲۲۷ معاهده ورسای موجب تقویت این نظر شد که سران دولت‌ها نیز در صورت ارتکاب جنایات جنگی نمی‌توانند از مصونیت شعلی برطبق مقررات عرفی بهره‌مند گردند.

### گفتار دوم: دادگاه ویژه نورنبرگ

دادگاه ویژه نورنبرگ به عنوان نخستین دادگاه نظامی بین‌المللی، پس از پایان جنگ جهانی دوم و اشغال آلمان از سوی متفقین یعنی فاتحین جنگ براساس موافقت‌نامه مورخ ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن، در برلین تشکیل گردید.

اساسنامه دادگاه نورنبرگ شامل ۳۰ ماده و یک پروتکل الحاقی بود. ماده ۶ منشور نورنبرگ مقرر می‌داشت «مرتکبین جنایت علیه صلح، نقض قوانین و عرف‌های جنگی و نیز جنایت علیه بشریت از مسئولیت کیفری فردی برخوردارند».<sup>(۲۴)</sup> دادگاه نورنبرگ، به دلیل آنکه در اساسنامه خود به تفصیل جرایم علیه بشریت را تعریف و در عمل نیز اثبات کرد که چنین جرایمی به دستور برخی از متهمان انجام شده است، در توسعه مقررات بین‌المللی حقوق بشر، نقش مهمی داشته است.

همچنین ماده ۷ اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ مقرر می‌داشت: «در موقعیت رسمی قرار داشتن متهمان، چه با سمت رئیس دولت و یا مسئولان رسمی حکومتی، موجب مبرا بودن آنها از مسئولیت یا تخفیف در مجازات نخواهد شد».<sup>(۲۵)</sup> این ماده صریحاً روشن می‌ساخت که حقوق بین‌الملل دکترین مصونیت‌های شغلی برای مقامات ارشد دولتی که متهم به ارتکاب یکی از جنایات بین‌المللی و به‌طور مشخص جنایات علیه بشریت و جنایات علیه صلح می‌باشد را نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر ماده هفتم منشور دادگاه نورنبرگ، آشکارا مصونیت سران دولت‌ها برای تعقیب کیفری را لغو نمود.<sup>(۲۶)</sup>

دادگاه مذکور حکم خود را در اکتبر سال ۱۹۴۶ صادر کرد. یکی از دوازده متهمی که به اعدام محکوم شد، مارتین بورمن رئیس شورای مشورتی حزب نازی بود که محاکمه وی به طور غیابی صورت گرفت.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که یکی از دستاوردهای مهم منشور دادگاه نورنبرگ که بعدها مورد حمایت سازمان ملل قرار گرفت، این بود که آنچه که پیشتر در



مورد سلب مصونیت در قبال جنایات بین‌المللی مطرح شده بود را به صورت مدون درآورد.

### گفتار سوم: دادگاه ویژه توکیو

دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو، متعاقب تسلیم ژاپن در جنگ جهانی دوم و بر مبنای عهدنامه ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن تأسیس شد. این دادگاه نخستین جلسه‌اش را در سوم ماه مه ۱۹۴۶ برگزار کرد. اتهامات جنایتکاران جنگی ژاپن به سه دسته تقسیم می‌شدند که عبارت بودند از: جنایت علیه صلح؛ جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت. دادگاه توکیو تنها اتهامات دسته نخست یعنی جنایت علیه صلح را که مربوط به نخست‌وزیر سابق ژاپن و بیست و چهار تن دیگر از جنایتکاران بود، مورد رسیدگی قرار داد و تعقیب دیگر متهمین به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت را به دادگاه‌های نظامی دیگر کشورها واگذار کرد.

دادگاه مذکور همانند دادگاه نورنبرگ به پیمان بریان کلوق استناد کرد و نتیجه گرفت که طبق این پیمان توسل به جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی نامشروع بوده و موجب مسئولیت کیفری کسانی است که آن را تدارک دیده و تعقیب کرده‌اند.<sup>(۳۷)</sup> دادگاه توکیو رای خود را در ۴ نوامبر ۱۹۴۸ صادر کرد.

نکته قابل تأمل و فصل مشترک دو دادگاه نورنبرگ و توکیو و دادگاه رسیدگی‌کننده به اتهامات ویلهلم دوم، این بود که آن‌ها پس از پایان جنگ و توسط فاتحان برای محاکمه متهمان تشکیل شده و به بازماندگان جنگ تحمیل شده بود. این دادگاه‌ها بر این اعتقاد بر پا گردیدند که جنگ از ضروریات زندگی بین‌المللی نیست و اصول حق و عدالت در مورد دولت‌ها و رهبران آن‌ها قابل اجراست. مهم‌ترین صلاحیت این دادگاه‌ها که در اساسنامه نورنبرگ و توکیو بر آن‌ها تصریح شده بود، محاکمه و مجازات افرادی بود که به ارتکاب جرایمی در جنگ متهم شده بودند و بر مسئولیت افراد در حقوق بین‌الملل تأکید ورزیدند. دادگاه‌های بین‌المللی نورنبرگ و توکیو همچنین نشان دادند که سیاستمداران و رهبران کشورها در صورت نقض صلح و امنیت بین‌المللی و ارتکاب جنایات بین‌المللی، از کیفر برکنار نخواهند بود.

## فصل سوم: مصونیت سران دولت‌ها در دادگاه‌های موردی و ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد و دادگاه‌های ملی کشورها گفتار اول: بررسی مصونیت سران دولت‌ها در دادگاه‌های کیفری شورای امنیت سازمان ملل متحد

اختیاری که ماده ۳۹ منشور ملل متحد در احراز تهدید صلح بین‌المللی به شورای امنیت می‌دهد به حدی است که شورا برای رفع آن می‌تواند هر نوع اقدام لازمی را که تشخیص بدهد برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ فصل هفتم منشور به عمل آورد.<sup>(۲۸)</sup> براساس فصل هفتم منشور ملل متحد، یکی از راه حل‌های مورد نظر برای پیشگیری از نقض صلح و وقوع جنگ، تنبیه کردن و به کیفر رساندن جنگ افروزان است و یکی از راه‌های توسعه دامنه صلاحیت حقوق بین‌الملل در تنبیه و کیفر، تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است.

### الف) دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

به‌دنبال جنایات ارتكابی در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ در رواندا و بوسنی هرزگوین، شورای امنیت سازمان ملل متحد براساس فصل هفتم منشور، مبادرت به تأسیس دو دادگاه اختصاصی کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا کرد. تأسیس این دو دادگاه کیفری بین‌المللی به عنوان ارگان فرعی شورای امنیت برای محاکمه و مجازات ناقضان حقوق بین‌الملل بشردوستانه ابتکاری بی‌سابقه بود که باید آن را مرحله‌ای مهم در تاریخ حقوق بین‌الملل کیفری به‌شمار آورد.

#### ۱. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی (سابق)

شورای امنیت سازمان ملل به موجب بند یک ماده ۲۴ منشور ملل متحد و مطابق مواد ۳۹، ۴۱ و ۴۲ منشور با صدور قطعنامه شماره ۷۸۰ مورخ ۶ اکتبر ۱۹۹۲، کمیسیونی مرکب از کارشناسان را مأمور کرد تا درباره «نقض عمده حقوق بشردوستانه بین‌المللی» در سرزمین یوگسلاوی سابق گزارشی را از ابتدای سال ۱۹۹۱ تهیه کند. پس از تسلیم گزارش مذکور، دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق (ICTY) در سال ۱۹۹۳، توسط شورای امنیت و پیرو دو قطعنامه ۸۰۸

و ۸۲۳ که به ترتیب در ۲۲ فوریه و ۲۵ ماه می ۱۹۹۳ صادر شدند، به وجود آمد. شورای امنیت فجایع صورت گرفته در قلمرو یوگسلاوی سابق از جمله نقض‌های فاحش و گسترده حقوق بشر دواستانه بین‌المللی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار آورد و به همین دلیل و برحسب اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور، این دادگاه را تأسیس نمود. سپس در پی گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت، این شورا با صدور قطعنامه شماره ۸۲۷ دستور تدوین پیش‌نویس اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق را به عنوان رکن فرعی که ماهیت قضایی داشت و خواستار تعقیب اشخاصی که مسئول نقض‌های جدی و شدید حقوق بشر دواستانه بین‌المللی ارتکاب یافته در قلمرو یوگسلاوی سابق شده‌اند، صادر کرد. در واقع شورای امنیت برای نخستین‌بار با تأسیس یک رکن فرعی که ویژگی قضایی داشت مبادرت به تشکیل یک دادگاه کیفری نمود. اساسنامه دادگاه مذکور که مشتمل بر ۳۴ ماده است در تاریخ ۳ مه ۱۹۹۳ به تصویب شورای امنیت رسید.

صلاحیت ذاتی دادگاه، ناظر بر تعقیب اشخاص حقیقی‌ای است که به سبب نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه، تخلف از قوانین و عرف‌های جنگی، ارتکاب نسل‌زدایی و جنایات علیه بشریت در حین درگیری‌های مسلحانه که بی‌تردید بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی به‌شمار می‌روند، از مسئولیت کیفری برخوردارند.

ماده ۶ به متهمان و اشخاص حقیقی و ماده ۷ به مسئولیت طراحان، معاونان، آمران و... کسانی که به مجرمان کمک کرده‌اند، اختصاص دارد. در بند دوم ماده ۷ اساسنامه به این نکته تصریح شده است که پست و مقام شخص به عنوان رئیس دولت و غیره نمی‌تواند عذر و دفاعی برای وی محسوب شود. در واقع بخشی از رویه دادگاه نورنبرگ در اینجا تکرار شده است؛ یعنی رؤسای دولت و کارگزاران دولتی از مصونیت حکومتی برخوردار نیستند.<sup>(۲۹)</sup>

دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق براساس ماده ۷ اساسنامه خود که تأکید می‌کند مقام و موقعیت رسمی هیچ متهمی، خواه به عنوان رئیس کشور یا دولت و خواه به عنوان یک مقام مسئول دولتی، شخص متهم را از مسئولیت کیفری مبرا نمی‌سازد و نیز موجب تخفیف مجازات نمی‌گردد و تأکید بر مواد ۲ تا ۵ اساسنامه خود در خصوص نقض‌های فاحش مقررات کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، تخلف از قوانین و عرف‌های

جنگی، نسل کشی و جنایات علیه بشریت، در ۲۲ ماه مه ۱۹۹۹ اسلوبودان میلوسوویچ را محکوم و بدین وسیله برای اولین بار یک ارگان بین‌المللی به مصونیت رئیس یک دولت در قدرت توجه نکرده است. در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۱ دادستان محکمه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق نیز با توجه به ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه مزبور در حالی که اسلوبودان میلوسوویچ رئیس جمهور بود وی را محکوم کرد.<sup>(۳۰)</sup>

میلوسوویچ پس از برکنار شدن از مقام ریاست جمهوری صربستان، دستگیر و محاکمه گردید. محاکمه وی از این جهت حائز اهمیت بود که اصل مصونیت سیاسی سران دولت‌ها را در صورت ارتکاب جنایات بین‌المللی مورد تردید قرار داد. در یک ارزیابی کلی، برای نخستین بار بود که شورای امنیت با استفاده از اختیارات خود، یک دادگاه بین‌المللی تأسیس می‌نمود. دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، نخستین دادگاه جامعه جهانی بود که به مصونیت‌های یک رئیس جمهور بی‌اعتناء و آن را مورد تعقیب قرار داده و محاکمه و مجازات نمود و بدین طریق، رویه نوینی را ایجاد کرد.

## ۲. دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا

دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا به موجب قطعنامه شماره ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد که به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد از آن برخوردار است و در واکنش به نسل‌زدایی و دیگر نقض‌های سازمان‌یافته، گسترده و فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی که در سرزمین رواندا رخ داده بود و بنا به درخواست مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۴ دولت رواندا که خواستار تشکیل یک محکمه بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران شده بود، تأسیس گردید.

این دادگاه در کشور تانزانیا مستقر است و صلاحیت آن ناظر به تعقیب افرادی است که از اول ژانویه ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ مسئول تخلفات عمده ارتکاب یافته از حقوق بشردوستانه بین‌المللی (ماده ۱) و مرتکب جنایت نسل‌زدایی (ماده ۲)، جنایات علیه بشریت (ماده ۳)، نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو (ماده ۴) در مورد حمایت از قربانیان جنگ و نیز پروتکل دوم الحاقی به آن در ۸ ژوئن ۱۹۷۷ گردیده‌اند. این دادگاه نظیر دادگاه یوگسلاوی سابق، صرفاً نسبت به اشخاص حقیقی (ماده ۵) اعمال

صلاحیت می‌نماید و بر طبق ماده ۶ اساسنامه دادگاه مذکور، هر کس مرتکب طراحی، تحریک، صدور دستور یا مباشرت شده یا به هر شکل دیگری در طراحی، فراهم ساختن مقدمات یا اجرای جنایت مورد نظر معاونت کرده باشد، شخصاً مسئول جرم ارتكابی خود خواهد بود. مقام و موقعیت رسمی هیچ متهمی خواه به عنوان رئیس کشور یا دولت و خواه به عنوان یک مقام مسئول دولتی، شخص متهم را از مسئولیت کیفری مبرا نمی‌سازد و نیز موجب تخفیف مجازات نمی‌گردد.

دادگاه رواندا، با آغاز سال ۱۹۹۹، محاکمه مهم‌ترین مسببان نسل‌کشی از جمله شماری از رهبران سیاسی و مقامات دولتی را آغاز کرد. دادگاه مزبور برای ۳۲ نفر از ۴۵ متهم، حکم بازداشت صادر کرد. شاخص‌ترین آن‌ها آقای جین کامبادا، نخست‌وزیر سابق رواندا بود که به جرم نسل‌کشی اعتراف کرد. او عالی‌ترین رهبر سیاسی ای بود که تا آن زمان توسط دادگاهی بین‌المللی گناهکار شناخته شده است.<sup>(۳۱)</sup>

#### ب) مصونیت سران دولت‌ها در دادگاه‌های ویژه سازمان ملل متحد

شورای امنیت سازمان ملل تحت ماده ۲۹ منشور ملل متحد، چندین دادگاه کیفری ویژه ایجاد کرد که عبارت بودند از: دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه ویژه کامبوج و دادگاه ویژه تی‌مور شرقی. این دادگاه‌ها تحت فصل هفتم منشور و برای تعقیب و پیگیری جنایات به عمل آمده ایجاد شده بودند. این دادگاه‌ها معمولاً دارای صلاحیت مشترک ملی و بین‌المللی بوده و از قضاوت و دادستان‌های محلی و بین‌المللی بهره‌برده و دبیرکل سازمان ملل متحد، دادستان کل را در هر مورد تعیین می‌کند. با تأسیس محکمه‌های ویژه سازمان ملل متحد وضعیت سران دولت‌ها اعم از پادشاه، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر که از مصونیت برای ارتكاب نقض حقوق بشر برخوردار بودند، به تدریج تغییر کرد.

#### \* دادگاه ویژه سیرالئون

دادگاه ویژه سیرالئون (SCSL) در پی صدور قطعنامه شماره ۱۳۱۵ مورخ ۱۴ اوت ۲۰۰۰ شورای امنیت و براساس موافقت‌نامه‌ای بین سازمان ملل متحد و دولت سیرالئون تأسیس گردید. صلاحیت دادگاه مزبور رسیدگی به تخلفات عمده ارتكابی و

تعقیب و محاکمه اشخاصی است که حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق سیرالئون را در سرزمین آن کشور نقض و فرآیند صلح در سیرالئون را به مخاطره افکنده‌اند (ماده ۱). ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون نیز جنایات علیه بشریت از جمله قتل عمدی، نابودسازی، شکنجه، هتک ناموس به عنف و دیگر اشکال خشونت جنسی را برشمرد و خواستار محاکمه اشخاص مرتکب می‌گردد. ماده ۶ اساسنامه بر مسئولیت کیفری شخصی تأکید و می‌افزاید: «هر کس مرتکب طراحی، تحریک، صدور دستور یا مباشرت شده و یا به شکل دیگری در طراحی، فراهم ساختن مقدمات یا اجرای جنایت مورد نظر، معاونت نموده باشد، شخصاً مسئول جرم ارتكابی خود خواهد بود. مقام و موقعیت رسمی هیچ متهمی، خواه به عنوان رئیس کشور یا دولت و خواه به عنوان یک مقام مسئول دولتی، شخص متهم را از مسئولیت کیفری مبرا نمی‌سازد و موجب تخفیف کیفر نمی‌گردد»<sup>(۳۲)</sup> دادگاه فوق اقدامات چارلز تیلور را در جریان جنگ‌های داخلی مورد بررسی قرار داد و وی را مسئول جنایات ارتكابی از جمله جنایت علیه بشریت و نقض گسترده کنوانسیون‌های ژنو خواند. متعاقباً دادگاه مزبور در ۴ ژوئن ۲۰۰۳ حکم جلب چارلز تیلور رئیس‌جمهور سیرالئون را صادر رد. این حکم به مقامات چاد و پلیس اینترپول تحویل گردید. در ۳۱ مه ۲۰۰۴، دادگا استیناف دادگاه ویژه برای سیرالئون با توافق آرا مصونیت از تعقیب چارلز تیلور به عنوان رئیس دولت لیبریا را نیز لغو نمود.<sup>(۳۳)</sup>

این قضیه برای اولین بار نشان داد که رؤسای جمهور و سایر مقامات عالی‌رتبه کشورها نمی‌توانند با استناد به موضوع مصونیت، مرتکب جنایات بین‌المللی شده و از چنگال عدالت بگریزند.

#### \* دادگاه ویژه کامبوج

دادگاه ویژه کامبوج (STC) به منظور بررسی جنایات ارتكابی توسط خمرهای سرخ که بیش از یک میلیون نفر را در دهه ۱۹۷۰ به قتل رسانده بودند در سال ۱۹۷۷ تشکیل گردید. علی‌رغم آنکه پل پت داوطلبانه به محاکمه خویش در یک دادگاه بین‌المللی نیز رضایت داده بود لکن با مرگ وی این سابقه ایجاد نشد.

### \* دادگاه ویژه تی‌مور شرقی

دادگاه ویژه تی‌مور شرقی به منظور جنایات ارتكابی توسط نظامیان اندونزیایی و شبه نظامیان مورد حمایت دولت اندونزی که هزاران نفر از مردم تی‌مور شرقی را که جهت استقلال مبارزه می‌کردند به قتل رسانده بودند تشکیل تا مرتکبین این جنایات را محاکمه نمایند. تنها تعدادی از سران و فرماندهان از سوی دولت اندونزی محاکمه و به مجازات حبس کوتاه مدت محکوم شدند.

گفتار دوم: مصونیت سران دولت‌ها از سوی دادگاه‌های ملی کشورها؛ بررسی پرونده‌های پینوشه، قذافی، فیدل کاسترو و موگابه

صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی برای رسیدگی به جرایم مهم بین‌المللی، تحت نظم کیفری بین‌المللی است و از این طریق می‌توان اطمینان یافت که مجرمان و مرتکبین جنایات بین‌المللی از جمله سران دولت‌ها یا باید مسترد شوند و یا مجازات و در واقع جای امنی برای آنان وجود نخواهد داشت.

پینوشه رئیس‌جمهور اسبق شیلی، در سال ۱۹۹۸ برای معالجه به لندن سفر کرد. قاضی اسپانیایی به نام بالتاسار گارزون با صدور حکم بازداشت پینوشه به اتهام جنایات نسل‌کشی و تروریسم و براساس کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمان (برطبق این کنوانسیون کلیه کشورهای اروپایی متعهد به تحویل مجرمانی هستند که به سبب جرایم سنگین، تحت تعقیب قرار می‌گیرند)، از طریق سفارت کشورش در لندن تقاضای استرداد وی را از انگلیس کرد. دولت انگلیس علی‌رغم وضع جسمانی پینوشه، او را بازداشت و زندانی و چند بار محاکمه کرد.<sup>(۳۴)</sup>

در ۲۴ مارس ۱۹۹۹ دادگاه مذکور رأی تاریخی خود را با شش رای علیه پینوشه صادر کرد. این دادگاه اعلام کرد که مصونیت حکومتی ای که حقوق عرفی، آن را برای سران و مسئولان دولتی به رسمیت می‌شناسد، در برابر مقررات بین‌المللی چون قاعده منع شکنجه سازمان یافته که شکل قواعد آمره را به خود گرفته است، قابل استناد نیست.<sup>(۳۵)</sup> البته پنج قاضی از هفت قاضی، به دلیل ابهام موجود در قانون موضوعه استرداد مجرمان، حکم کردند که براساس اصل عدم اجرای مجازات مضاعف، بریتانیا

نمی‌تواند مجرم را به سبب جرایمی که در زمان ارتکاب این جرایم، آن‌ها را جرم نمی‌دانسته است، مسترد کند. انگلیس در اواخر سال ۱۹۹۸ بود که شکنجه افراد در خارج از مرزهای کشور را در قانون خود، به عنوان جرم درج کرد. لذا در دوم مارس سال ۲۰۰۰ پس از بحث‌های طولانی حقوقی میان وکلای پینوشه و طرف‌های مقابل و موضوع بیماری وی و عدم توانایی متهم برای حضور در دادگاه، جک استراو وزیر کشور وقت انگلیس تصمیم به آزادی ایشان گرفت و پینوشه پس از ۱۷ ماه به شیلی بازگردانده شد.<sup>(۳۶)</sup>

عکس‌العمل محتاطانه دولت آمریکا در این قضیه و اظهارات وزیر خارجه آمریکا مبنی بر این که حق شیلی است که با گذشته خود چگونه برخورد نماید (آمریکا نگران از این بود که مبدا با استرداد و محاکمه پینوشه، نقش و میزان واقعی دخالت سازمان «سیا» در کودتای ۱۹۷۳ شیلی و ساقط کردن حکومت قانونی سالوادور آلنده و فجایع و جنایاتی که به دنبال آن در شیلی روی داده، برملا گردد)؛ دولت انگلیس را به سمت یک تصمیم سیاسی در پرونده پینوشه کشاند و دخالت وزیر کشور انگلیس در آزادی پینوشه تردیدی در حل و فصل سیاسی پرونده وی باقی نگذاشت و این تصمیم سیاسی، استقلال قضات انگلیس و صلاحیت کیفری جهانی دادگاه‌های انگلیس را به چالش کشید. لکن برای اولین بار بود که اجازه داده نشد مصونیت دولتی، منجر به فرار از بازداشت و محاکمه گردد. به عبارت دیگر قضیه بازداشت و محاکمه پینوشه، نخستین مورد در خصوص لغو مصونیت شخصی رئیس یک دولت سابق به اتهام ارتکاب جنایات بین‌المللی بود. گر چه لغو این گونه مصونیت برای سران دولت‌های پیشین به معاهده ورسای، دادگاه نورنبرگ و کنوانسیون ۱۹۴۸ ممنوعیت منع شکنجه باز می‌گردد، لکن محاکمه پینوشه به صورت برجسته منجر به تکامل هنجار بین‌المللی در این مورد گردید. در مارس ۲۰۰۱، یک دادگاه فرانسوی، قذافی رهبر لیبی را نیز به ارتکاب جنایت و مشخصاً اقدامات تروریستی متهم نمود. دادگاه مدعی بود سران دولت‌ها در قبال اقدامات تروریستی نمی‌توانند به موضوع مصونیت متکی باشند و تنها در دادگاه‌های ملی از تعقیب مصونیت دارند حتی در ارتباط با اقدامات تروریستی. لکن براساس حقوق بین‌الملل عرفی، رئیس دولت بر سر قدرت از مصونیت‌های شخصی برخوردار است و به همین دلیل دادگاه فرانسوی از تعقیب قذافی صرف‌نظر نمود.



در قضیه فیدل کاسترو، دادگاه اسپانیایی و در قضیه موگابه دادگاه ایالات متحده آمریکا در اکتبر ۲۰۰۱ نیز به نتایج مشابهی رسیدند.<sup>(۳۷)</sup>

### فصل چهارم: مصونیت سران دولت‌ها در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

#### و عملکرد آن در قبال اتهامات علیه رئیس‌جمهور سودان

گفتار اول: مفاد اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص مصونیت سران دولت‌ها برطبق اساسنامه رم، اشخاص حقیقی در قبال ارتکاب جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی مصونیت کیفری نخواهند داشت. برطبق بند اول ماده ۲۷ اساسنامه رم، «این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی اجرا خواهد شد. به‌طور مشخص سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت، یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به هیچ وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد، همچنان که وجود سمت‌های مذکور به تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود». این قانون به‌طور مشخص به مصونیت‌های کارکردی اشاره دارد.

بند دوم ماده ۲۷ اساسنامه دیوان به مقوله و طبقه دیگری از مصونیت که در بالا بیان شد اشاره دارد؛ یعنی مصونیت شخصی. این ماده قانونی می‌گوید: «مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه‌ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند، موجب نمی‌گردد که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید».<sup>(۳۸)</sup> بنابراین می‌توان گفت که برطبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سران دولت‌ها، در ارتکاب جنایات بین‌المللی و نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، نه از مصونیت شخصی برخوردارند و نه از مصونیت شغلی.

#### گفتار دوم: اقدامات شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی در قبال اتهامات علیه

#### رئیس‌جمهور سودان در مخاصمه مسلحانه داخلی آن کشور

#### الف) اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد

در پی اوج‌گیری بحران دارفور در اواخر سال ۲۰۰۳ و در نتیجه حضور سازمان‌های بین‌المللی و بشردوستانه و بین‌المللی شدن این بحران و به‌دنبال گزارشات متعدد سازمان ملل متحد در خصوص وقایع و اتفاقات هولناک در منطقه دارفور، وضعیت مزبور با حمایت و فشار آمریکا و انگلیس به شورای امنیت ارجاع شد.

متعاقب ارجاع وضعیت دارفور به شورای امنیت سازمان ملل متحد، این شورا برطبق فصل هفتم منشور ملل متحد در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴ قطعنامه شماره ۱۵۶۴ را تصویب و از دبیرکل سازمان ملل خواست تا سریعاً یک کمیسیون بین‌المللی تحقیق به منظور بررسی فوری گزارشات مربوط به نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر در دارفور توسط تمامی طرف‌ها را تأسیس و مشخص نماید که آیا اقدام به نسل‌کشی اتفاق افتاده است یا خیر؟ و هویت مرتکبین چنین تجاوزاتی را مشخص نماید.<sup>(۳۹)</sup>

در پی گزارشات کمیسیون مزبور و شدت گرفتن درگیری‌ها در دارفور، شورای امنیت چندین قطعنامه (مجموعاً ۲۶ قطعنامه) صادر کرد که مهم‌ترین آن قطعنامه شماره ۱۵۹۳ مورخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵ بود. در این قطعنامه شورای امنیت با اشاره به گزارش کمیسیون بین‌المللی تحقیق درخصوص تداوم نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر در دارفور و مواد ۱۶، ۷۵، ۷۹ و ۹۸ اساسنامه رم و به موجب ماده ۴۲ از فصل هفتم منشور سازمان ملل، موضوع را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع تا وضعیت دارفور را از تاریخ اول ژوئیه ۲۰۰۲ مورد تحقیق و بررسی قرار دهد.<sup>(۴۰)</sup>

#### ب) اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

در پی تصویب قطعنامه شماره ۱۵۹۳ شورای امنیت، لوئیس مورینو اوکامپو دادستان دیوان هفت گزارش درخصوص وضعیت دارفور<sup>(۴۱)</sup> و اقداماتی که دیوان کیفری بین‌المللی به عمل آورده است به همراه پیشنهادات خود به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه کرد.

متعاقباً دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸ (۲۴ تیرماه ۱۳۸۷) عمر حسن احمد البشیر رئیس جمهور سودان را برطبق مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه رم، به نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در منطقه دارفور متهم و برطبق ماده ۵۸ اساسنامه رم نیز از شعبه رسیدگی مقدماتی دیوان درخواست صدور قرار بازداشت وی را کرد.<sup>(۴۲)</sup>

بدین‌صورت برای نخستین‌بار است که دادستان دیوان کیفری بین‌المللی علیه رئیس‌جمهور در قدرت یک کشور اعلام جرم و با استناد به ماده ۵۸ اساسنامه دیوان

(برطبق ماده ۵۸ اساسنامه دیوان، شعبه مقدماتی پس از وصول درخواست دادستان باید با بررسی درخواست وی و ادله و یا سایر اطلاعاتی که توسط مقام مذکور ارائه شده، دستور بازداشت شخص را صادر کند) از شعبه رسیدگی مقدماتی دیوان درخواست صدور دستور بازداشت آن را می‌نماید.

سرانجام روز چهارشنبه ۴ مارس ۲۰۰۹ (۱۴ اسفند ماه ۱۳۸۷) دیوان کیفری بین‌المللی لاهه طی بیانیه ای اعلام کرد که سه قاضی شعبه یک مقدماتی دیوان هفت مورد از اتهامات دادستان را تایید و حکم دستگیری عمر البشیر رئیس جمهور سودان را به جرم جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در دارفور صادر کرده است. این اولین قرار بازداشت یک رئیس جمهور در قدرت است که از سوی دیوان بین‌المللی کیفری صادر می‌شود.<sup>(۴۳)</sup> اعمال فشارهای کشورهای غربی بویژه آمریکا و انگلیس در صدور بیش از ۲۶ قطعنامه در شورای امنیت و مواضع اعلامی آنان درخصوص رأی صادره از سوی دیوان کیفری بین‌المللی مبین آن است که رأی دادگاه دیوان بیشتر سیاسی است تا حقوقی.

دریک نگاه کلی صدور چنین حکمی پدیده نوظهوری در نظام حقوقی جهان است و می‌تواند پیامدهای حقوقی و سیاسی جدی و گسترده‌ای در سطح جهان داشته باشد.

باتوجه به اینکه عمر البشیر، رئیس جمهور سودان اتهامات دادستان دیوان و رأی دادگاه را رد و از هرگونه همکاری با دادگاه خودداری کرده است و نیز باتوجه به امتناع کشورهای عربی و اسلامی از پذیرش حکم دادگاه و سیاسی خواندن آن از یک طرف و حمایت کشورهای غربی از قرار بازداشت صادره، لذا احتمالات گوناگونی در مورد قرار بازداشت دادگاه دیوان کیفری بین‌المللی در قبال عمرالبشیر می‌رود:

احتمال اول، این که شورای امنیت سازمان ملل متحد برطبق ماده ۱۶ اساسنامه رم، خواستار تعلیق تعقیب و عدم پیگیری اجرای حکم صادره از سوی دادگاه دیوان بین‌المللی کیفری در قبال عمرالبشیر برای مدت ۱۲ ماه گردد، همان‌طور که اتحادیه آفریقا و بسیاری از کشورهای عربی و آسیایی طی بیانیه‌های سیاسی - مطبوعاتی و مواضع اعلامی از شورای امنیت درخواست کرده اند.

احتمال دوم، آن که از طریق یک توافق سیاسی و از رهگذر اعمال فشارهای سیاسی-اقتصادی، دولت سودان به دادن امتیازات ناخواسته به گروه‌های شورشی تن داده و نهایتاً روند حقوقی موضوع متوقف گردد.

احتمال سوم، محاکمه عمرالبشیر در دادگاه دیوان کیفری بین‌المللی است که در این صورت باتوجه به اساسنامه دیوان، وی به حداکثر مجازات یعنی زندان ابد که شامل ۳۰ سال زندان می‌باشد، محکوم خواهد شد.

### نتیجه‌گیری و ارزیابی

براساس معاهدات بین‌المللی و حقوق عرفی بین‌المللی موجود، سران دولت‌ها از مصونیت‌های قضایی اجرایی و جزایی و مصونیت‌های شخصی و شغلی برخوردار می‌باشند. از لحاظ تاریخی، بی‌اعتنایی به مصونیت سران دولت‌ها به معاهده ورسای در سال ۱۹۱۹ بازمی‌گردد که برای نخستین‌بار رژیم مصونیت کامل رئیس دولت، مورد خدشه قرار گرفت. پس از پایان جنگ جهانی دوم و در پی تسلیم آلمان و ژاپن، دادگاه‌های نظامی نورنبرگ و توکیو مبتنی بر اساسنامه‌های خود که نسبت به مصونیت سران و سایر مقامات دولت‌های شکست خورده در جنگ ملاحظات جدی داشتند، تأسیس شدند.

ماده ۶ اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ مقرر می‌داشت که مرتکبین جنایت علیه صلح، نقض قوانین و عرف‌های جنگی و نیز جنایت علیه بشریت از مسئولیت کیفری فردی برخوردارند و ماده ۷ نیز مقرر می‌داشت که در موقعیت رسمی قرارداداشتن متهمان، چه با سمت رئیس دولت و یا مسئولان رسمی حکومت، موجب مبرابردن آن‌ها از مسئولیت یا تخفیف در مجازات نخواهد شد.

بدین طریق ماده هفتم منشور دادگاه نورنبرگ، آشکارا مصونیت سران دولت‌ها برای تعقیب کیفری را لغو نمود. ماده ۶ منشور دادگاه بین‌المللی شرق دور (توکیو) نیز با تغییرات کمی همین موضوع را مورد تأیید قرار داده است.

یکی از دستاوردهای مهم منشور دادگاه نورنبرگ که بعدها به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، این بود که آنچه که تا آن زمان در حقوق بین‌الملل عرفی

در خصوص محدودیت مصونیت سران دولت‌ها در قبال ارتکاب به جنایات بین‌المللی وجود داشت، به صورت مدون درآورد.

نکته مهم و قابل توجه در اساسنامه‌ها و رویه قضایی و اجرایی سه دادگاه فوق، به‌ویژه دو دادگاه نورنبرگ و توکیو، لغو مصونیت سران دولت‌های (پیشین) مغلوب در جنگ به اتهام ارتکاب جرایم جنگی و تأکید آن‌ها بر مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل بود.

به دنبال جنایات ارتكابی در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ در رواندا و بوسنی هرزگوین، شورای امنیت سازمان ملل متحد براساس فصل هفتم منشور، مبادرت به تأسیس دو دادگاه اختصاصی کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا کرد. تأسیس این دو دادگاه کیفری بین‌المللی به‌عنوان ارگان فرعی شورای امنیت برای محاکمه و مجازات ناقضان حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ابتکاری بی‌سابقه بود که باید آن را مرحله‌ای مهم در تاریخ حقوق بین‌الملل کیفری به‌شمار آورد.

دادگاه یوگسلاوی سابق براساس ماده ۷ اساسنامه خود که مقرر می‌داشت: مقام و موقعیت رسمی هیچ متهمی، خواه به‌عنوان رئیس کشور یا دولت و خواه به‌عنوان یک مقام مسئول دولتی، شخص متهم را از مسئولیت کیفری مبرا نمی‌سازد و نیز موجب تخفیف مجازات نمی‌گردد و تأکید بر مواد ۲ تا ۵ اساسنامه در خصوص نقض‌های فاحش مقررات کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، تخلف از قوانین و عرف‌های جنگی، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت، در ۲۲ ماه مه ۱۹۹۹ اسلوبودان میلوسوویچ را محکوم و بدین‌وسیله برای اولین بار یک نهاد بین‌المللی به مصونیت رئیس یک دولت در قدرت توجه نکرده است. میلوسوویچ پس از برکنار شدن از مقام ریاست جمهوری صربستان، دستگیر و محاکمه و زندانی گردید. محاکمه وی از این جهت حائز اهمیت بود که اصل مصونیت سیاسی سران دولت‌ها را در صورت ارتکاب جنایات بین‌المللی مورد تردید جدی قرار داد. در واقع با محاکمه و مجازات میلوسوویچ، کیفر بین‌المللی برای رهبران کشورها که تا آن زمان یک ایده آل بود، به واقعیت می‌رسید. به‌طور کلی تشکیل دادگاه یوگسلاوی سابق، محاکمات و صدور آرای آن در تکوین و توسعه حقوق بین‌الملل کیفری بسیار مؤثر بود.

دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا نیز توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد و در واکنش به نسل‌زدایی و دیگر نقض‌های سازمان یافته، گسترده و فاحش حقوق

بشردوستانه بین‌المللی که در سرزمین رواندا رخ داده بود، تأسیس گردید. براساس اساسنامه دادگاه مذکور صلاحیت آن ناظر به تعقیب افرادی است که از اول ژانویه ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ مرتکب جنایت نسل‌زدایی، جنایات بر ضد انسانیت، نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از قربانیان جنگ و نیز پروتکل دوم الحاقی به آن مصوب ۸ ژوئن ۱۹۷۷، گردیده‌اند. این دادگاه نظیر دادگاه یوگسلاوی سابق، صرفاً نسبت به اشخاص حقیقی اعمال صلاحیت نمود. دادگاه رواندا پس از محاکمه متهمین، برای ۳۲ نفر از ۴۵ متهم، حکم بازداشت صادر کرد. شاخص‌ترین آن‌ها آقای جین کامبادا، نخست‌وزیر سابق رواندا بود که به جرم نسل‌کشی اعتراف کرده بود.

دادگاه ویژه سیرالئون براساس موافقت‌نامه‌ای بین سازمان ملل متحد و دولت سیرالئون در ژانویه سال ۲۰۰۲ تأسیس تا مرتکبین جنایات داخلی آن کشور را شناسایی و محاکمه نماید. ماده ۶ اساسنامه دادگاه مذکور بر مسئولیت کیفری فردی تأکید و می‌افزاید: مقام و موقعیت رسمی هیچ متهمی، خواه به عنوان رئیس کشور یا دولت و خواه به عنوان یک مقام مسئول دولتی، شخص متهم را از مسئولیت کیفری مبرا نمی‌سازد و موجب تخفیف کیفر نمی‌گردد. دادگاه مزبور در ۴ ژوئن ۲۰۰۳ حکم جلب چارلز تیلور رئیس‌جمهور اسبق سیرالئون را صادر و بدین وسیله شورای امنیت برای اولین بار نشان داد که رؤسای جمهور و سایر مقامات عالی‌رتبه کشورها نمی‌توانند با استناد به موضوع مصونیت، مرتکب جنایات بین‌المللی شده و از چنگال عدالت بگریزند. به عبارت دیگر ارتکاب جنایات بین‌المللی و نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی از سوی سران دولت‌ها با پوشش سیاسی نمی‌تواند بدون کیفر بماند. رشد و تکامل مفهوم صلاحیت جهانی به دادگاه‌های ملی نیز اجازه می‌دهد تا مرتکبین جنایات بین‌المللی را به محاکمه بکشانند. طرح محاکمه پینوشه، قذافی، فیدل کاسترو و موگابه در دادگاه‌های خارجی کشورها از آن جمله‌اند.

قضیه بازداشت و محاکمه پینوشه، نخستین مورد در خصوص لغو مصونیت شخصی رئیس‌جمهور سابق یک کشور به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت در یک دادگاه کشور دیگر محسوب می‌گردد. گرچه لغو این گونه مصونیت برای سران دولت‌های پیشین به معاهده ورسای، دادگاه نورنبرگ و کنوانسیون ۱۹۴۸ ممنوعیت

منع شکنجه باز می‌گردد، لکن محاکمه پینوشه به صورت برجسته منجر به تکامل هنجار و نرم بین‌المللی در این مورد گردید.

آخرین مورد، صدور قرار بازداشت عمرالبشیر رئیس جمهور سودان از سوی دیوان کیفری بین‌المللی بوده است. در واقع این اولین حکم بازداشت یک رئیس جمهور در قدرت است که از سوی دیوان کیفری بین‌المللی صادر می‌شود.

برخی از بازیگران دولتی معتقدند تغییر هنجارهای بین‌المللی در خصوص مصونیت سران دولت‌های بر سر قدرت می‌تواند بر فضای روابط بین‌المللی و دیپلماسی اثرات نامطلوبی به جای گذاشته و موجب بی‌نظمی و هرج و مرج گردد. لکن مسیر حقوق بین‌الملل به سمت شناسایی حق قربانیان حقوق بشر و بازجویی مرتکبین به پیش می‌رود حتی اگر این شناسایی، هنجارها و نرم‌های حاکمیت را تهدید و بازیگران دولتی از نتایج آن بیم داشته باشند.

نظم حقوقی مبتنی بر بنیان‌های اخلاقی و نیز عقل و منطق، خواهان محدودیت در اعمال قدرت سران دولت‌ها و نیز محدود کردن مصونیت آنان است.

در یک ارزیابی کلی؛ روند تحولات مصونیت سران دولت‌ها از معاهده ورسای (۱۹۱۹) تاکنون که در اساسنامه‌های دادگاه‌های نورنبرگ (ماده ۷)، توکیو (ماده ۶)، یوگسلاوی سابق (ماده ۷)، دادگاه رواندا (ماده ۶)، دادگاه ویژه سیرالئون (ماده ۶)، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ماده ۲۷) و رویه‌های دادگاه‌های بین‌المللی و ملی شاهد بوده‌ایم، روشن می‌سازد که در حال حاضر سران دولت‌ها، در ارتکاب جنایات بین‌المللی و نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، نه از مصونیت شخصی برخوردارند و نه از مصونیت شغلی و به عبارت دیگر اشخاص برخوردار از مصونیت از جمله سران دولت‌ها در صورت نقض قواعد آمره بین‌المللی نمی‌توانند به مصونیت‌های خود متکی بوده و از مسئولیت کیفری مبرا باشند.

در پایان، پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران رشته حقوق بین‌الملل تلاش مشترکی را به منظور انسجام و همبستگی با محافل علمی و پژوهشی کشورهای مستقل و بویژه کشورهای اسلامی به عمل و با حضوری هوشمندانه و فعال در نهادهای حقوقی بین‌المللی در ایجاد تحول در مفاهیم و رویه‌های موجود حقوق بین‌الملل کیفری براساس معیارها و ارزش‌های الهی و انسانی گام بردارند.

## یادداشت‌ها

1. Jurgen Brohmer, “**Diplomatic Immunity, Head of State Immunity, State Immunity: Misconceptions of a Notorious Human Rights Violator, Current Legal Developments**”, Leiden Journal of International Law, Netherland, 1999, pp.367-370.
2. Treaty of Versailles 1919.available at: <http://en.wikipedia.org/wiki/Treaty-of-Versailles>.
3. UN General Assembly Resolution 1946.available at: <http://untreaty.un.org/cod/avl/ha/ga-95-1.html>.
4. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide,NewYork, 9 December1948.available at: [http://www.un.org/millennium/law.Iv-1, htm](http://www.un.org/millennium/law.Iv-1.htm).
5. Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, 1035 U.N.T.S. 167, 13 I.L.M. 41, entered into force Feb. 20, 1977.
6. Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 39/46 of 10 December 1984, entry into force 26 June 1987.available at: [www.un.org/documents/ga/res/39/a39r046/htm](http://www.un.org/documents/ga/res/39/a39r046.htm).
7. Rome Statute of the International Criminal Court,the Hague,1998. available at: [www.icc-cpi.int](http://www.icc-cpi.int)
8. M.Charif Bassiouni, **International Criminal Law**, Third Edition,Volume 1, Sources, Subjects, and Contents,The Netherlands, 2008, pp. 51-53.
۹. جواد صدر، **حقوق دیپلماتیک و کنسولی**، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۶، ص ۷۷.
۱۰. محسن عبداللهی و میر شهپیز شافع، **مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل**، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۶، ص ۲۴.
۱۱. جواد صدر، **حقوق دیپلماتیک و کنسولی**، ص ۱۰۱.
12. Ratione Materiae (functional immunities), Ratione personae (personal immunities).
13. Immunity from prosecution (International law), available at <http://en.Wikipedia.org/wiki/>, 2009 /05 /06.
14. Roman Anatolevich Kolodkin, Preliminary Report on Immunity of State officials from Foreign Criminal Jurisdiction, United Nations, General Assembly, International Law Commission, Sixtieth session, Geneva 5 May-6 June and 7 July- 8 August 2008. Op.Cit., p.37.



15. Vienna Convention on the Representation of States in their Relations with International Organizations of a Universal Character .Done at Vienna on 14 March 1975. available at:  
<http://untreaty.un.org/ilc/texts/instruments/English/conventions/5-1-1975>.
16. Roman Anatolevich Kolodkin, op.cit , p. 32
17. Vienna Convention on Diplomatic Relations and Optional Protocols done at Vienna, on 18 April 1961, U.N.T.S. Nos. 7310-7312
18. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969, 1155 U.N.T.S. 331, 8 I.L.M. 679, entered into force Jan. 27, 1980.
19. Vienna Convention on the Representation of States in their Relations with International Organizations of a Universal Character .Done at Vienna on 14 March 1975. available at:  
<http://untreaty.un.org/ilc/texts/instruments/English/conventions/5-1-1975>.
20. Treaty of Versailles 1919. available at:  
<http://en.wikipedia.org/wiki/Treaty-of-versailles>.
21. M.Charif Bassiouni, Op.Cit., p.52.
۲۲. پرویز ذوالعین، **حقوق دیپلماتیک**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۴، ص ۳۳.
۲۳. دولت‌ها، به موجب حقوق بین‌الملل، وظیفه‌ای برای استرداد مجرمین ندارند، بلکه استرداد در نتیجه توافقات بین‌المللی، مثلاً براساس معاهدات دوجانبه یا چندجانبه ویا براساس عمل متقابل یا نزاکت بین‌المللی انجام می‌گیرد. به نقل از: حسین میرمحمد صادقی، **حقوق جزای بین‌المللی**، تهران: انتشارات نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.
24. Paola Gaeta, **Official Capacity and Immunities**, A Commentary on the Rome Statute of International Criminal Court, Volume 1, 2002, P.981.
۲۵. اسعد اردلان، «**صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی در تعقیب و رسیدگی به جرایم کارازبیچ**»، ماهنامه معاونت آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه، شماره ۲۲۵، شهریور ماه ۱۳۸۷، ص ۱۱.
26. M.Charif Bassiouni, Op.Cit., p.52.
۲۷. عبدالرسول عظیمی، **محاکمات نورنبرگ از نظر حقوق جزا**، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۴۱، ص ۲۷۰.
۲۸. ماده ۳۹. شورای امنیت وجود هرگونه تهدید بر صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید دست زد.
۴۱. شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات خویش لازم است به چه اقداماتی که متضمن استفاده از نیروی مسلح نباشد، دست بزند؛ همچنان که می‌تواند از

اعضای ملل متحد بخواهد که به این اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است متضمن توقف کامل یا قسمتی از روابط سیاسی یا اقتصادی باشد.

ماده ۲۹. در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست، می‌تواند با استفاده از نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است دست زند.

۲۹. جفری رابرتسون، **جنايات عليه بشریت**، ترجمه: گروه پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی زیر نظر دکتر حسین میر محمد صادقی، مشهد مقدس، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول سال ۱۳۸۳، ص ۴۰۹.

۳۰. کریانگساک کیتیچایساری، **حقوق بین‌المللی کیفری**، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، صص ۵۳-۵۰.

۳۱. جفری رابرتسون، **جنايات عليه بشریت**، ص ۴۰۹.

۳۲. همان، ص ۶۶۱.

33. Hazel Fox, “**The Law on State Immunity**”, Second Edition, Oxford University Press, United States, 2008, p. 678.

34. Paola Gaeta, op.cit., p.983.

۳۵. جفری رابرتسون، **جنايات عليه بشریت**، ص ۵۰۴.

۳۶. مایکل بایرز، **دعوی پینوشه معجونی از حقوق و سیاست**، مجله دفتر حقوقی و بین‌المللی، شماره ۲۵، سال ۷۹، ص ۸۸.

37. Gabriel Sawma, “**The Scope and Nature of Immunity from Jurisdiction for Heads of State under International Law**”, available at: <http://gabrielsawma.blogspot.com/2006/07/14>.

38. Rome Statute of the International Criminal Court, Article 27. Irrelevance of Official Capacity.

39. Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the United Nation Secretary – General, Geneva 25 January 2005.

40. UN Security Council Resolution 1841, 15 Oct 2008.

41. First Report of the Prosecutor of the International Criminal Court Mr. Luis Moreno Ocampo to the UN Security Council Pursuant to UNSCR 1593 (2005).

42. www.icc-cpi.int

43. International Criminal Court, Press Release, 4 Mar 2009.

## منابع فارسی

### الف) کتاب‌ها

۱. ذوالعین، پرویز، **حقوق دیپلماتیک**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۴
  ۲. رابرتسون، جفری، **جنايات عليه بشریت**، ترجمه: گروه پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی زیر نظر دکتر حسین میر محمد صادقی، مشهد مقدس: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول سال ۱۳۸۳
  ۳. صدر، جواد، **حقوق دیپلماتیک و کنسولی**، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.
  ۴. عبدالهی، محسن و میرشهبییز، شافع، **مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل**، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۶
  ۵. عظیمی، عبدالرسول، **محاکمات نورنبرگ از نظر حقوق جزا**، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۴۱.
  ۶. کیتیچایساری، کریانگساک، **حقوق بین‌المللی کیفری**، ترجمه: بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳
  ۷. میرمحمد صادقی، حسین، **حقوق جزای بین‌المللی**، تهران: انتشارات نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۷۷.
- ### ب) مقالات
۱. اردلان، اسعد، «صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی در تعقیب و رسیدگی به جرایم کارازبیچ»، **ماهنامه معاونت آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه**، شماره ۲۲۵، شهریور ماه ۱۳۸۷.
  ۲. بایرز، مایکل، «دعوی پینوشه معجونی از حقوق و سیاست»، **مجله دفتر حقوقی و بین‌المللی**، شماره ۲۵، سال ۱۳۷۹.

## منابع انگلیسی

### A: Books

1. Hazel Fox, "The Law on State Immunity", Second Edition, Oxford University Press, London, 2008.

2. M.Cherif Bassiouni, **International Criminal Law**, Third Edition, Volume 1, Sources, Subjects, and Contents, The Netherlands, 2008.
3. Paola Gaeta, **Official Capacity and Immunities**, A Commentary on The Rome Statute of International Criminal Court, Volume 1, 2002.
4. The Rome Statute of International Criminal Court (**ICC**)

#### **B. Articles**

1. Jurgen Brohmer, **Diplomatic Immunity, Head of State Immunity, State Immunity: Misconceptions of a Notorious Human Rights Violator**, Current Legal Developments, Leiden Journal of International Law, 1999.
2. Gabriel Sawma, **The Scope and Nature of Immunity from Jurisdiction for Heads of State under International Law** ", available at: <http://gabrielsawma.blogspot.com/2006/07/14>

#### **C. Reports**

1. First Report of the Prosecution of the International Criminal Court. Mr. Luis Moreno Ocampo to the Security Council Pursuant to UNSCR 1593, (2005).
2. Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the UN Secretary General . Geneva 25 January 2005.
6. Roman Anatolevich Kolodkin, Preliminary Report on Immunity of State officials from Foreign Criminal Jurisdiction, United Nations, General Assembly, International Law Commission, Sixtieth session, Geneva 5 May-6 June and 7 July- 8 August 2008.

#### **D. Resolution**

1. Resolution No . 1841. 15 Oct 2008.

#### **E. Press Releases**

1. International Criminal Court, Press Release, 4 Mar 2009.

#### **F. Internet**

1. [http://en.Wikipedia.org/wiki/Head\\_of\\_state\\_immunity,2009/05/06](http://en.Wikipedia.org/wiki/Head_of_state_immunity,2009/05/06).
2. <http://en.wikipedia.org/wiki/Treaty-of-Versailles>.
3. <http://www.icc-cpi.int>
4. <http://www.un.org/cod/avl/ha/ga-95-1.html>.
5. [http://www.un.org/millennium/law.Iv-1, htm](http://www.un.org/millennium/law.Iv-1.htm).
6. <http://www.un.org.documents/ga/res/39/a39r046/htm>.
7. <http://www.un.org/Docs/scres/1995/scres95.htm>